**نگاهی به پنج کنز**

ژیلا نیکوئی

پنج کنز اثری است از بیانات شفاهی جمال قدم در ایام بغداد که توسط جناب نبیل زرندی اقتباس و تنظیم شده است. این اثر حاوی تعالیم اخلاقی و اجتماعی می باشد که همراه با مثال تبیین شده است. محور مطالب در این گزیده، مقام انسان بوده و در واقع دعوت او به جایگاه اصلی خویش موضوع اساسی این اثر می باشد. ذکری از سال نگارش پنج کنز در کتب تاریخی چون قرن بدیع و تاریخ نبیل و یا کتب معرفی آثار مبارکه چون گنج شایگان نشده است. ولی می توان حدود نگارش آن را با توجه به نزول قصائد ساقی از غیب بقا و عز ورقائیه در سلیمانیه، همزمان تقریر کلمات مبارکه مکنونه در سال ۱۲۷۴ و اقبال نگارنده پنج کنز (جناب نبیل) و تشرف چهارباره او به حضور مبارک حدود سالهای ۱۲۷۵-۷۹ ھ ق در فاصله بعد از سال ۱۲۷۴و در محدوده زمانی ۱۲۷۵ تا ۱۲۷۹ ھ ق دانست.

**محل نزول اثر:** بنا بر آنچه در ابتدای متن ذکر شده، دارالسلام بغداد است. در دو کنز اول و دوم، که در جواب یکی از شاهزادگان ایران بوده است، جمال قدم در بیرونی بیت قدم می زدند ولی در مورد سایر کنز ها نمی توان استنباط کرد که آیا بلافاصله در همان محل این بیانات را فرمودند یا اینکه در محل و وقت دیگری، منظور این است که صرف نوشتن پنج مطلب به دنبال هم دلیلی بر عنوان شدن آنها در یک مکان و زمان واحد نمی باشد. با توجه به تدنی و فساد اخلاقی بابیان و حکومت و رعیت عثمانی در زمان سکونت هیکل مبارک در بغداد می توان چنین نتیجه گرفت که بیانات مبارکه به جهت تهذیب اعمال عامه نفوس بوده است، آن گونه که تصویری از حد اعلای مقام انسان بدست داده و حضرتش نهایت ارتقاء روحانی را به واضح ترین شکل بیان می نمایند که این تکامل دو وجه دارد:

**الف، وجه اخلاقی** شامل متصف شدن به صفات حسنه و کمالات رحمانیه، چون امانت و دیانت، عدل و انصاف، عفت و عصمت، نیت خالص و عمل پاک، طلب بلایا و استقامت بر آن.

**ب، وجه اجتماعی**، مشمول توجه به اساس ادیان، اتحاد و اتفاق بین ملل، مصاحبت و معاشرت با ابرار.

مجموعه این تعالیم "پنج کنز" را چنان غنی می سازد که پس از زیارت آن، انسان به جایگاه اصلی خویش واقف و به مقام حقیقی خود دعوت می شود و از آن جائی که بیشتر مسائل موجود در پنج کنز در قالب تمثیل بیان شده، در مقایسه با آثار مبارکه دیگری که معانی مشابه را در بر دارد، درک آن سهل تر و مفاهیم مندرج در آن بیشتر در ذهن ثبت می گردد.

لازم به ذکر است که گرچه پنج کنز لوح نیست ولی سندیت دارد و موثق است. چنانچه معهد اعلی در نامه ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۱ در جواب غصن الله کاشانی و نیز در نامه دیگری مورخ ۲ اکتبر ۱۹۹۱ مرقوم فرموده اند که " پنج کنز مطالبی است که نبیل زرندی در بغداد از بیانات شفاهی جمال اقدس ابهی یادداشت کرده است ولیکن جوهر و اصل این مطلب را می توان در آثار قلم اعلی ملاحظه نمود و همچنین در نامه ۱۶جون ۱۹۸۵ دائره مطالعه نصوص و الواح در جواب سوال هائی که در همین مورد شده بود مرقوم داشته اند.

" پنج کنز از بیانات شفاهی جمال اقدس ابهی است اگرچه از الواح محسوب نمی گردد اما سندیت دارد".

در این بیانات از دیگر آثار مبارکه نیز قسمتهائی ذکر گردیده، مانند: قصیده ساقی از غیب بقا (گر خیال جان ... زحمت میار، کنز اول) و قصیده عز ورقائیه (رجوت بظنک ... فرض سنتی، کنز اول) و قسمتی از کلمات مبارکه مکنونه فارسی (مصاحبت ابرار ... هر دو بردار، کنز چهارم) و در بعضی از کنزها آیات قرآنی و یا قسمتهائی از آن آمده است:

۱\_ "إنّما نطعمکم ... لا شکورا" (سوره دهر آیه ۹ \_ کنز سوم)

۲\_ "ربّنا افتح بیننا ... خیر الفاتحین" (سوره اعراف آیه ۸۹ \_ کنز چهارم)

۳\_ "یا أیّها الذین ... مع الصادقین" (سوره توبه آیه ۱۱۹ \_ کنز چهارم)

۴\_ "فسوف تری الأرض جنّة الأبهی" (کنز دوم) تلمیحی به آیه قرآنی: "یوم تبدّل الأرض غیر الآرض" (سوره ابراهیم آیه ۴۸)

۵\_ "لا تکونوا کالذین قلوبهم عن ذکر الله" (کنز چهارم) تلمیحی به دیگر آیه قرآنی: "فویل للقاسیة قلوبهم من ذکر الله" (سوره زمر آیه ۲۲)

بعضی از بیانات جمال قدم در پنج کنز مشابه دیگر بیانات مبارکه می باشد و این تشابه از دو جنبه است:

مفهوم بیان و یکسان بودن بعضی از لغات مانند: "... من برای اخذجواهر به این عالم آمده ام، اگر ذره جواهری در حجری موجود و آن حجر در خلف ابحر سبعه باشد تا آن جوهر را اخذ ننمایم دست از او بر نمی دارم ..." (کنز پنجم) با این بیان مبارک: "... تالله الحق الیوم اگر ذره ای از جوهر در صدهزار من سنگ مخلوط باشد و در خلف سبعه ابحر مستور هر آینه دست قدرت الهی او را ظاهر فرماید و آن ذره جوهر را از آن فصل نماید ..." (مائده آسمانی جلد۴ ص ۹۰ )

در "کنز اول" جمال قدم شرایط لیاقت حضور در محضر مبارک و استماع کلام حق را بیان می فرمایند و اشاره می نمایند اگر شخصی در کمال اشتیاق یسار ذلت را بر یمین عزت اختیار کند و صرفا بخاطر حب و عشق الهی و رضای حق بدون توجه به پاداش اخروی طالب بلا باشد، آن وقت است که جمال مبارک می فرمایند:

"ای شیر مردمان، رنج را در راه حضرت یزدان راحت دان هر دردی در راه او درمانیست بزرگ و هر تلخی شیرین و هر پستی بلند اگر مردمان بیایند و بدانند جان رایگان در راه این رنج دهند ..." (مجموعه اشراقات۲۳۳ )

و از طریق بلایا و امتحانات است که صادق از کاذب ممتاز شود و طلب شهادت و در دریای خون شناور بودن را دلیلی بر صدق گفتار می دانند.

در "کنز دوم" حضرت بهاءالله هدف از ظهورشان را گشایش باب آسایش بر می شمارند که تحقق این مقصد عالی را از طریق مزین شدن نفوس به صفات رحمانیه و کمالات انسانیه ذکر می نمایند، مانند ایجاد و استقرار در اعلای امانت، صیانت، عدل و انصاف، عفت و عصمت و تقوی در افراد و این نکته را در قالب مثال بیان می نمایند.

و أمّا "کنز سوم" بیان شرایط قبول عمل در درگاه الهی است، نیت خالص شرط اول هر عملی است که برای حصول این مهم بایستی حب الهی را در جان و دل ایجاد نمود چه که می فرمایند: " اعملوا حدودی حبّا لجمالی" بنابراین عملی که بر اساس نیت خیر و صرفا از روی انسانیت بدون ذره ای عدم خلوص باشد، رضایت حق را که بهترین پاداش و اجر اعمال است فراهم می سازد.

در کنز چهارم منظور نظر امت اسلام است که امراض روحانی و اغراض نفسانی آنها، سبب گردید نفس قدسی که بیش از الف سنه انتظار ظهور آن را داشتند پس از ظهور به شهادتش اقدام نمایند در حالیکه اگر عامل می شدند به دو کلمه از کلمات الهی، خود را به این اعمال مبتلا نمی ساختند و آن کلام این است تقوی الله داشته و با صادقین باشید چه که می فرمایند:

"... اگر آن حرف های کذبه از مطالع کذب ظاهر نمی شد، نقطه وجود روح ما سواه فداه شهید نمی گشت ..." (مائده آسمانی ۱۴۱-۴) و دیگر آنکه قلوب امت اسلام به قدری سخت و قسی است که ذکر حق را به آن راهی نیست و آنچه لازم آنکه قلوب را از جمیع شئونات و شبهات وهمیه مقدس سازند تا پذیرای ذکر الهی گردد همچنین در این کنز درباره معاشرت بیاناتی می فرمایند که تاکیدی است بر این مطلب که هر نفسی یا موثر است یا متاثر و بر این اساس باید در انتخاب معاشرین دقت لازم را نمود چه که می فرمایند: " ای اهل رضوان من خود را از سموم انفس خبیثه و اریاح عقیمه که معاشرت با مشرکین و غافلین است حفظ نمائید ..." (مائده آسمانی ۷-۳۹)

در "کنز پنجم"حضرت بهاءالله فلسفه ظهورشان را بیان می نمایند. انسان را به معدن تشبیه و جواهر آن را ودایع ربانیه و استعداد های بالقوه در نفس او ذکر می فرمایند که از طریق تربیت این جواهر را بعرصه ظهور می آورد علاوه بر این اساس ادیان الهی را متذکر می شوند و اختلاف ظاهری را نظر به مقتضیات قرون و اعصار بیان می نمایندکه جهت بر طرف شدن آن همت لازم است.

با توجه به ترتیب و محتوای هر یک از کنزها می توان گفت که این بیانات جمال قدم دارای تدوینی بسیار هوشمندانه و با هدفی معین صورت پذیرفته و به گونه ای که کنز اول شرایط اقبال و ایمان را معرفی می نماید ( شروط لیاقت حضور و استماع کلام حق) در کنز دوم تزیین نفوس به اعمال و اخلاق طیبه را علت افتتاح باب آسایش بر عالمیان بر می شمارند و در کنز سوم لوازم قبول اعمال و اخلاق طیبه را عنوان می نمایند و سپس در کنز چهارم امت اسلام و ابتلائات آن را شاهد عینی عمل ننمودن به تعالیم الهیه تصویر نموده و سرانجام در کنز پنجم به وحدت ادیان در اصول و مبانی اشاره می فرمایند و بدین ترتیب سخنان نقل شده، عرفان و عمل و شرایط حصول هر یک را شرح داده (کنز های اول تا سوم) و سپس شاهدی برای نتیجه غفلت از تعالیم الهی و انحطاط و تدنی انسان معرفی می نماید (کنز چهارم).

آیا نمی توان با توجه به اصل اتحاد ادیان (کنز پنجم) در اهداف و روشها و با در نظر گرفتن شاهد مطروحه (کنز چهارم) تصویر تمام نمای نتیجه غفلت انسانها را در تمام اعصار بدیده عبرت نگریست و با توجه به تعالیم مبارکه از پیشامد مجدد آن حذر نمود؟

۱\_ "... مراتب اهل بهاء از مصدر امر صادر که هم عباد لو یمرون علیهم ذوات الجمال باحسن الطراز لن ترید ابصارهم الیمین و لو یرون وادیا من الذهب یمرون علیهم کمر السحاب کذلک نزل مالک الرقاب" (کنز دوم، سطر۲۴)

 ۱-۱ " الذین ارتکبوا الفحشاء و تمسّکوا بالدنیا إنهم لیسوا من أهل البهاء هم عباد لو یردون وادیا من الذهب یمرّون عنه کمر السحاب و لا یلتفتون إلیه أبدا ألا إنّهم منّی لیجدن من قمیصهم الملأ الأعلی عرف التقدیس و یشهد بذلک ربّک و من عنده علم الکتاب ولو یرون علیهم ذوات الجمال بأحسن الطراز لا ترتدّ الیمین أبصارهم بالهوی أولئک خلقوا من التقوی کذلک یعلمکم قلم القدم من لدن ربّکم العزیز الوهّاب ..." (آثار قلم اعلی، ج ۱، ص۱۵۳)

۲-۱ "... ثم اعلم بأن نصب العباد سلّم و له ثلاث درجات الأولی تذکر بالدنیا و زخرفها و الثانیۃ بالأخرة و ما قدّر فیها و الثالثة تذکر بالأسماء و ملکوتها و من جاز عن هذه المقامات یصل إلی ملیک الأسماء و الصفات أقرب من حین إیّاکم یا أهل البهاء لا تعطّلوا أنفسکم علی هذه المواقف ثمّ مرّو عنها کمر السحاب کذلک ینبغی لعبادنا المقرّبین ..." (مائده آسمانی، ج ۸ ، ص ۱۲۱)

۳-۱ "... قسم به آفتاب افق تقدیس که اگر جمیع عالم از ذهب و فضه شود نفسی که فی الحقیقه به ملکوت ایقان ارتقاء جسته، ابدا به آن توجه ننماید، تا چه رسد به اخذ آن و این مقام به لسان احلی و لغت فصحی از قبل نازل. لعمرالله اگر نفسی حلاوت آن را بیابد ابدا بغیر ما اذن الله عمل ننماید و به غیر دوست ناظر نشود و فنای عالم را به عین بصیرت مشاهده نماید و قلبش به عالم بقا متصل گردد ..." (مائده آسمانی، ج ۸ ، ص ۸)

۴-۱ "... لأهل الحقّ بأن یظهر آثار الخضوع عن وجوههم ... و یأخذوا أحکام الله بأیادیهم و لو یمرّون علی وادی الذهب و معادن الفضّة ما یعتنون بهما و لا یلتفتون إلیهما و ان هؤلاء اعترضوا عن کل ذلک ..." (آثار قلم اعلی ج ۳ ، ص۶۸ )

۵-۱ "... در وصف اهل بهاء از قلم اعلی این کلمات نازل، إنّهم رجال لو یمرّون علی مدائن الذهب لا یلتفتون إلیها و لو یمرّون علی ملکوت الجمال لا یتوجّهون إلیه کذلک نزل من القلم الأعلی لأهل البهاء من لدن ناصح علیم ..." (لوح شیخ نجفی ص ۹۱ تا ۹۲)

۲\_" ... من برای اخذ جواهر به این عالم آمده ام، اگر ذره جواهری در حجری موجود و آن حجر در خلف ابحر سبعه باشد تا آن جوهر را اخذ ننمایم دست از او بر نمی دارم ..." (کنز پنجم)

۱-۲ " ... تالله الحق الیوم اگر ذره ای از جوهر در صدهزار من سنگ مخلوط باشد و در خلف سبعه ابحر مستور، هر آینه دست قدرت الهی او را ظاهر فرماید و آن ذره جوهر را از آن فصل نماید ..." (مائده آسمانی، ج ۴ ، ص ۹۰)

۲-۲ " ... قسم به آفتاب معانی که اگر مقدار ذره ای از جوهر، بل اقل، در جبلی مستور باشد، البته کلمه جذبیه و فصلیه آن را جذب نماید و از جبل فصل کند" (دریای دانش ص ۱۲۹)

۳-۲ " ... یوم یومیست که حضرت لقمان از برای ابنش ذکر فرموده و رب العزة از آن خبر داده و حبیبش را آگاه نمود، بقوله تعالی یابُنَیَّ إنّها إن تَکُ مثقال حبّة من خردل فتکن فی صخرة أو فی السموات أو فی الارض یأت بها الله إنّ الله لطیف خبیر" (لوح شیخ نجفی ص ۷۹)

۴-۲ " ... امروز روزی است که آنچه در قلوب مستور ظاهر و آشکار شود ان اذکر ما أنزله الرحمن فی الفرقان قوله تبارک و تعالی یابُنَیَّ إنّها إن تَکُ مثقال حبّة من خردل فتکن فی صخرة أو فی السموات أو فی الأرض یأت بها الله و این مقام عدل است که حق جل جلاله ذکر فرموده ..." (آثار قلم اعلی، ج ۶ ، ص ۲۲۳)

۵-۲ " ... امر عظیم است و مطلب بزرگ و یوم یومیست که می فرماید یابُنَیَّ إنّها إن تَکُ مثقال حبّة من خردل فتکن فی صخرة أو فی السموات أو فی الأرض یأت بها الله إنّ الله لطیف خبیر" (دریای دانش ص ۷۶)

۳\_ " ... حق جل جلاله از برای ظهور جواهر معانی از معدن انسانی در هر عصری امینی فرستاده ..." (کنز پنجم)

۱-۳ " ... حق جل جلاله از برای ظهور جواهر معانی از معدن انسانی آمده ..." (لوح شیخ نجفی ص ۱۰ و الواح مبارکه حضرت بهاءالله ص ۱۳۳)

۴\_ " ... الیوم دین الله و مذهب الله آنکه طرق متعدده و سبل مختلفه را سبب و علت بغضا ننمایند این راههای محکم متین کل از مطلع واحد ظاهر و از مشرق واحد مشرق و این اختلافات نظر به مقتضیات قرون و اعصار بوده ..." (کنز پنجم)

۱-۴ " ... الیوم دین الله و مذهب الله آنکه مذاهب مختلفه و سبل متعدده را سبب و علت بغضاء ننمایند. این اصول و قوانین و راههای محکم متین از مطلع واحد ظاهر و از مشرق واحد مشرق و این اختلافات نظر به مصالح وقت و زمان و قرون و اعصار بوده" (لوح شیخ نجفی ص ۱۰ و الواح مبارکه حضرت بهاءالله ص ۱۳۳) و (پیام ملکوت ۱۷۷)

۲-۴ "ای پسران انسان، دین الله و مذهب الله از برای حفظ و اتحاد و اتفاق و محبت و الفت عالم است، او را سبب و علت نفاق و اختلاف و ضغینه و بغضا ننمائید ..." (دریای دانش ص ۲۰)

۳-۴ " ... ای احزاب مختلفه به اتحاد توجه نمائید و به نور اتفاق منور گردید ... نظر به مقتضیات عصر اوامر و احکام مختلف شده ولکن کل من عندالله بوده و از نزد او نازل شده و بعضی از امور هم از عناد ظاهر گشته ..." (دریای دانش ص ۶۳)

۴-۴ "ای اهل عالم، مذاهب الهی از برای محبت و اتحاد است او را سبب عداوت و اختلاف منمائید. نزد صاحبان بصر و اهل منظر اکبر، آنچه سبب حفظ و علت راحت و آسایش عباد است از قلم اعلی نازل شده ..." (دریای دانش ص ۱۷۵)

۵-۴ "اشراق نهم، دین الله و مذهب الله محض اتحاد و اتفاق اهل عالم از سماء مشیت مالک قدم نازل گشته و ظاهر شده آن را علت اختلاف و نفاق مکنید. سبب اعظم و علت کبری از برای ظهور و اشراق نیر اتحاد دین الهی و شریعه ربانی بوده ... (الواح مبارکه حضرت بهاالله ص ۸۰)

۵- " ... ای اهل توحید کمر همت محکم نمائید شاید ارض از ضغینه و بغضای مذهبی پاک گردد (کنز پنجم)

۱-۵ " ... ای اهل بهاء کمر همت را محکم نمائید شاید جدال و نزاع مذهبی از بین اهل عالم مرتفع شود و محو گردد ..." (لوح شیخ نجفی ص ۱۰ و الواح مبارکه حضرت بهاالله ص ۱۳۴)

**منابع و مآخذ:**

آثار قلم اعلی، ج ۱ ، موسسه ملی مطبوعات امری، ۱۱۲ بدیع

آثار قلم اعلی ج ۳ ، موسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۱ بدیع

آثار قلم اعلی جلد ۶ موسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۲ بدیع

الواح مبارکه حضرت بهاءالله شامل اشراقات و چند لوح دیگر

پیام ملکوت تالیف عبدالحمید اشراق خاوری ۱۳۰ بدیع.

دریای دانش، موسسه مطبوعات بهائی هند، موسسه ملی مطبوعات امری ۱۳۳ بدیع

لوح مبارک خطاب شیخ محمد تقی مجتهد اصفهانی معروف به نجفی، موسسه ملی مطبوعات امری، ۱۱۹ بدیع

مائده آسمانی ج ۴ و ۸ ، تالیف عبدالحمید اشراق خاوری ۱۲۹ بدیع